

فصلنامه علمی *رهافت* فرهنگ دینی

بررسی نقش مقبره حضرت احمد بن موسی شاهچراغ(ع)، در حوادث سیاسی از حکومت قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی

دکتر سیده سوسن فخرائی^۱ و زینب هدایتی نژاد^۲

چکیده

آرامگاه احمد فرزند امام موسی کاظم(ع) و برادر امام رضا(ع)، معروف به شاهچراغ از مقبره ها و مزارهایی است که بسیار مورد اقبال شیعیان و محل تجمع مردمی در بسیاری از بزنگاه‌های تاریخی است. درباره زندگی حضرت شاهچراغ(ع)، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما برخی منابع، درگذشت او را در ۲۰۳ قمری تخمین زده‌اند. این بارگاه در طول تاریخ خود شاهد بسیاری از حوادث سیاسی این مرز و بوم و به خصوص در شهر شیراز بوده است. هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی نقش مقبره حضرت احمد بن موسی شاهچراغ(ع) در حوادث سیاسی از حکومت قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی است. پرسش اصلی این است که: این حرم، در حوادث سیاسی دوران حکومت قاجار تا دوره معاصر، چه تأثیراتی داشته است؟ و متولیان و زائران حرم در این جریان‌ها چه نوع عملکردی داشته‌اند؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد: تأثیرات سیاسی حرم حضرت شاهچراغ(ع) در شیراز از زمان قاجار تا انقلاب اسلامی عبارتند از: مؤثر بودن در حرکت‌های مردمی در دوره قاجار، نهضت تنباکو، کودتای ژاندارمری سال ۱۳۳۴ ه. ق. و نقش پررنگ بقعه در پیروزی انقلاب اسلامی. در واقع، این حرم در دوره قاجار و پهلوی، مکانی برای تحصن و بست نشینی و پناه جستن به آن از ظلم و ستم حاکمان زمانه بوده است. نهضت تنباکو، پایگاهی برای مبارزه ضد استعماری و در عصر مشروطه، پناهگاه آزادی خواهان مقابل مستبدین بود. در مراحل جنبش مشروطیت، مقبره شاهچراغ مرکز تشکیل بزرگ‌ترین گردهمایی‌های مردمی و انقلابی در برابر شاه قاجار بود. پیش از انقلاب اسلامی نیز، این مکان مقدس، در آگاهی بخشی و تجمعات اعتراضی، نقش مؤثری داشته، که منجر به سقوط حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی شده است. به طور کلی این حرم مقدس به کرات به عنوان پایگاه انقلابیون و سدی محکم در برابر یورش عوامل استبداد داخلی و خارجی، نقش ایفا کرده است.

کلیدواژه‌ها: شاهچراغ، احمد بن موسی کاظم(ع)، حوادث سیاسی، قاجار، انقلاب اسلامی.

۲۱

دوره جدید. سال ۶، شماره ۱، پیاپی

۲۱، بهار ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۳/۳۱

صص: ۱۳۱-۱۰۶

شاپا چاپی: ۲۵۸۸-۷۴۷۵

الکترونیکی: ۴۷۴۷-۷۴۴۵



۱-استادیار دانشکده الهیات دانشگاه پیام نور، پست الکترونیک: S_fakhraie@pnu.ac.ir

۲-دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور.

مقدمه

بی تردید زیارت امامزادگان هرگاه از سر معرفت و با بصیرت و آگاهی باشد به مثابه تجدید پیمان با اهل بیت (ع) است که این چنین عهد و پیمانی در شناخت اهداف و رسالت ائمه اطهار و گسترش تشیع، نقش مهمی دارد. وجود ائمه و امامزادگان به سبب جایگاه و شخصیت والای انسانی و مرتبه وجودی آنان نه تنها در زمان حیات؛ بلکه بعد از آن نیز برکات دنیوی و اخروی زیادی به همراه دارد و به سبب این برکات است که اسلام به وجود و لزوم زیارت و پرداختن به آن در زندگی انسان تأکید داشته است.

وجود این بقاع متبرکه، علاوه بر فیوضات و برکات معنوی، باعث همبستگی و وحدت اقوام ایرانی و سایر مسلمانان جهان می‌باشد. یکی از این بقاع متبرکه بسیار تاثیرگذار که بر حوادث سیاسی شهر شیراز نیز بسیار موثر بوده است؛ بقعه حضرت احمد بن موسی الکاظم شاهچراغ (ع) می‌باشد. حضرت سید امیر احمد (ع) ملقب به شاهچراغ و سیدالسادات الاعظم، فرزند بزرگوار امام موسی (ع) است. پسران امام هفتم (ع) بنا به مشهور نوزده نفر می‌باشند. به طور کلی از آنچه نسب‌شناسان، علمای رجال، محدثان، محققان، مورخان، مؤلفان و نویسندگان در خصوص احمد بن موسی (ع) و فضایل وی نوشته‌اند، بر می‌آید که او کریم، شجاع، فاضل، صالح، پرهیزگار، صاحب ثروت و منزلت، بزرگوار و با عزت بوده و نزد پدرش منزلتی خاص داشته است. شب‌ها تا صبح به عبادت مشغول بود، با قلم خود، قرآن بسیار نوشت و شخصی موق و راوی احادیث زیادی از نیای خود بود. عده‌ای از سادات «موسوی»، «حسنی»، «حسینی» یا به شوق دیدن امام رضا (ع) و یا پس از با خبر شدن از توطئه مأمون و شهادت امام رضا (ع)، عازم ایران شدند که در این رابطه می‌توان به کاروان احمد بن موسی (ع) و برادران وی و همچنین فاطمه بنت موسی (س) اشاره کرد (عرفان منش، ۱۳۷۷، ص ۵۷).

حرم مطهر احمد بن موسی (ع) در شیراز، از زمان ساخت این بقعه در نیمه قرن هشتم هجری، به عنوان مرکز ثقل حیات شهری و مهم‌ترین پایگاه مذهبی، معنوی و فرهنگی شیراز نقش داشته و از آن پس تاکنون جنبه‌ها و ابعاد تازه‌ای یافته است.

از دوره صفویه همراه با گسترش تشیع در سراسر فارس، حرم مطهر شاهچراغ رونق و اهمیت بیش‌تری یافت و از آن پس این حرم، به مرکز تجمع‌های مذهبی و محل تحصن و بست نشینی افراد و گروه‌های معترض تبدیل گردید و نقش تازه‌ای در حیات مدنی شهر پیدا کرد. همچنین ارتباط و پیوند متقابل بخش‌های مختلف شهر اعم از مراکز آموزشی، اقتصادی و محلات مختلف شهر به ویژه در دوران صفویه بر نقش مرکزی و کانونی این حرم افزود.

در دوره زندگی، احداث مجموعه بازار وکیل در مجاورت حرم مطهر شاهچراغ بر اهمیت و نقش مرکزی این حرم در زندگی شهری افزود و در کنار آن تأسیس مدارس و مراکز فرهنگی در جوار حرم مطهر اهمیت این مجموعه را دوچندان کرد. در دوره قاجار حرم مطهر شاهچراغ گسترش بیش‌تری یافته و در زمینه امور سیاسی و اجتماعی نقش آفرین شد. حرم مطهر شاهچراغ، به تدریج به کانون فعالیت و پایگاه مرکزی اجتماعات سیاسی تبدیل گردید.

پس از آن در دوران قاجار به ویژه عصر ناصری و مظفری مجموعه حرم مطهر شاهچراغ در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شیراز، نقش بارز و فعالی یافت. به طوری که در جریان شکل‌گیری جنبش‌های شهری و رویدادهای مهم سیاسی به عنوان پایگاه و کانون تجمع و مبارزات مردمی به حساب آمد. در جنبش تنباکو و جنبش مشروطه خواهی مردم شیراز و فارس، حرم مطهر شاهچراغ، میعادگاه اجتماعات عظیم مردمی و سنگر مبارزه با استبداد داخلی بود.

از این رو پژوهش حاضر بر آن است به بررسی نقش مقبره حضرت احمدبن موسی شاهچراغ(ع) در حوادث سیاسی از حکومت قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی، بپردازد.

زندگی‌نامه حضرت احمدبن موسی شاهچراغ(ع)

ولادت و نسب احمدبن موسی(ع)

احمدبن موسی بن جعفر ملقب به شاهچراغ و مشهور به سید السادات الاعظم، از فرزندان امام کاظم(ع) است. او از امامزادگان مشهور در ایران است که در زمان خلافت مأمون به ایران سفر کرد و با شنیدن خبر شهادت امام رضا(ع)، در شیراز ماند و در همان‌جا به شهادت رسید. مقبره وی در شیراز، مدت‌ها مخفی بود. تاریخ ولادت وی مشخص نیست. پدرش موسی بن جعفر(ع)، امام هفتم شیعیان و مادر او به ام احمد شهرت داشت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۳۰۸).

هجرت احمد بن موسی کاظم(ع) به ایران

به منظور خون‌خواهی برادرش علی بن موسی الرضا(ع) که به دست مأمون به شهادت رسید و برای دیدار برادر در مرو بود. در زمان شهادت، احمدبن موسی(ع) و یارانش، همراه با کاروانی عظیم که جمعیت آن تا پانزده هزار نفر گزارش شده است به ایران مهاجرت کرده بود (سلطان الواعظین، ۱۳۷۹ش: ۱۱۷).

قُتلغ خان، حاکم شیراز و عامل مأمون در خان زینان در هشت فرسخی شیراز با احمدبن موسی(ع) و کاروان همراه وی ملاقات کرد و خبر شهادت امام رضا(ع) را به آنان رسانید. این خبر باعث تضعیف روحیه و پراکندگی آنان گردید. احمد به همراه نزدیکان خود راهی شیراز شد و در آن جا در جریان جنگ به شهادت رسید (همان: ۱۱۷).

آشکار شدن قبر احمدبن موسی(ع)

در منابع تاریخی، چند قول مختلف درباره یافته شدن مزار احمدبن موسی(ع) دیده می‌شود: تا اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، نقلی مبنی بر آگاهی از محل دفن احمد بن موسی، در منابع وجود ندارد (زاهدی، ۱۳۸۸: ۹۸). برخی منابع مانند ریاض الانساب ملک الکتاب شیرازی و بحر الانساب تیموری، از کشف مزار احمدبن موسی(ع) در قرن چهارم و در زمان عضدالدوله دیلمی (۳۷۲ - ۳۳۸) خبر داده‌اند. برخی از منابع مدعی شده‌اند که قبر احمدبن موسی(ع) تا سیصد سال مخفی بود تا آنکه در زمان عضدالدوله دیلمی یافته شد.

بنابر نقل ملحقات انوار النعمانیه از لباب الانساب بیهقی، و نقل سید محسن امین از لب الانساب نیشابوری، آشکار شدن مدفن احمد بن موسی در شیراز، در اوایل قرن پنجم هجری رخ داده است. منابع دیگری مانند «شد الأزار»، سفرنامه ابن بطوطه و «نزهة القلوب»، که همگی در قرن هشتم نوشته شده‌اند، پیدا شدن مدفن او را در قرن هفتم و هشتم آورده‌اند. (زاهدی، ۱۳۸۸: ۹۸). برخی منابع گفته‌اند که آشکار شدن مزار احمد بن موسی، در زمان امیر مقرب الدین از وزرا و نزدیکان اتابک ابوبکر (۶۵۸ - ۶۵۳) (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷ش، ج ۲: ۷۴۵) بوده است و جنازه او را از روی انگشتی وی که نگینش به عبارت «العزة لله احمد بن موسی» منقوش بود شناخته‌اند (جنید شیرازی، ۱۳۲۸ش: ۲۸۹-۲۹۰).

نقش بقعه احمدبن موسی(ع) در جنبش تنباکو در دوران قاجار

قرارداد انحصار خرید و فروش توتون و تنباکو در سومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا و در زمانی که وی سرگرم دیدار از انگلستان بود با شرایطی با سرمایه دار معروف انگلیسی مازور تالبوت، منعقد شد. به موجب این قرارداد، انحصار خرید و فروش و صدور تمام توتون و تنباکوی تولیدی ایران به مدت پنجاه سال به کمپانی تالبوت واگذار شد (کریلایی، ۱۳۶۱: ۷-۱۶).

از آنجا که فارس، مهم‌ترین منطقهٔ تنباکوخیز ایران بود، اولین هیأت کمپانی به سمت شیراز حرکت کرد. آنان سفارش نامه‌هایی از سوی امین السلطان، خطاب به معتمدالدوله حکمران فارس در اختیار داشتند که طبق آن حکمران فارس را ملزم به همکاری با هیأت کمپانی می‌کرد (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۱، ص ۳۷۴).

«به واسطه کمپنی تنباکو میانه مردم خیلی گفتگو است و متزلزل هستند. تجار تنباکو فروش، واهمه زیادی دارند. اغلب از وکالت خانه دولت بهیه انگلیس جويا می‌شوند، همه را استمالت نموده و دلخوشی از این فقره داده شده» (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۱: ۳۷۴).

«اول کسی که فصاحت آغازید آقای سیدعلی اکبر فال اسیری بود در شیراز، شیرازه احترام دولت و سلطنت را گسیخت و آبروی حکومت ریخت» (امین الدوله، ۱۳۴۱: ۱۴۶).

مخالفت سریع آیت اله فال اسیری طی سخنرانی‌هایش در ماه مبارک رمضان، موجب تعطیل بازار وکیل شد. در پی تعطیل بازار و اجتماع بازاریان در مسجد وکیل، وی در پایان یکی از سخنرانی‌هایش شمشیری را از زیر عبا بیرون آورد و با قاطعیت اعلام کرد:

«موقع جهاد عمومی است. ای مردم بکوشید جامه زنان نپوشید. من یک شمشیر ودوقطره خون دارم. هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات بیاید شکمش را با این، پاره خواهم کرد» (ملک آرا، ۱۳۵۵: ۸۹).

مأموران خشن قوام الملک، آیت اله فال اسیری را پس از دستگیری به بوشهر اعزام کرده و پس از چند روز توقف از طریق کشتی به بصره فرستادند. وی از آنجا به عتبات به خدمت آیت اله میرزا حسن شیرازی مرجع بزرگ شیعه رسید.

اقدام تفنگ‌چیان قوام الملک به دستگیری آیت اله فال اسیری و اخراج توهین آمیز وی از شیراز، در هشتم شوال ۱۳۰۸ هـ ق، موجی از خشم و نفرت را در شیراز فراگرفت. با انتشار این خبر، مردم شیراز بلافاصله واکنش نشان دادند. ابتدا مردم با حضور گسترده زنان و همراهی علما در منزل آیت اله فال اسیری، تجمع کرده و سپس به طور دسته جمعی راهی شاهچراغ شدند. با حضور جمعیتی نزدیک به چهارهزار نفر تمام چهار بازار وکیل بسته و جمعیت حاضر در شاهچراغ یک صدا خواستار رهایی و بازگشت سید به شیراز شدند (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۱: ۳۷۸).

پس از دستگیری تعدادی از معترضان، بست نشینان پراکنده شدند، اما این واقعه، اعتراض شدید آیت‌الله محمدحسن شیرازی را در پی داشت. در نخستین تلگراف به ناصرالدین شاه در مخالفت با امتیاز نامه، ضمن آن که

امتیاز تنباکو را منافی صریح قرآن و تهدیدی برای استقلال کشور و اخلال در نظم مملکت و پریشانی وضعیت رعایا دانست صریحاً به قتل و جرح تعدادی از مردم در بقعه احمدبن موسی (ع) اعتراض کرد (کرمانی، ۱۳۶۱: ۳۴). سرانجام با سرکوب خونین قیام مردم شیراز و ایجاد جو رعب و وحشت در شیراز، عوامل کمپانی به شیراز وارد شده و شروع به فعالیت کردند. پس از چندماه مبارزه پیگیر مردم و ادامه تظاهرات و اجتماع مردم در شاهچراغ، سرانجام با صدور فتوای تحریم تنباکو توسط آیت اله میرزا حسن شیرازی، قرارداد به طور یک طرفه لغو شد. انتشار خبر لغو قرارداد، به معنای پیروزی آشکار مردم در برابر نظام استبدادی بود (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۱: ۳۹۵).

به این ترتیب، حرم مطهر احمدبن موسی (ع) برای نخستین بار کانون بزرگترین تجمع مردمی به رهبری علما برای دستیابی به یک آرمان سیاسی، یعنی لغو قرارداد رژی بود. جنبش ضد رژی در شیراز مطهر و نماد پیوند مشترک دو طبقه‌ی علما و تجار بود که برای نخستین بار، پیروزی بزرگی را رقم زد.

نقش بقعه احمدبن موسی الکاظم شاهچراغ (ع) در جنبش مشروطه خواهی فارس در دوران قاجار مشروطه خواهی در فارس در اعتراض به تعديات حاکم فارس، شعاع السلطنه در سال ۱۳۳۳ هجری و مقارن با اعتراضات آزادیخواهان علیه استبداد قاجاری آغاز شد (قائم مقامی، ۱۳۵۹: ۴۰).

شعاع السلطنه، پس از تثبیت موقعیت، دوباره ادعاهای قبلی خود را تکرار کرد. ابتدا با توسل به خشونت اقدام به ضبط چهار بازار وکیل، کاروانسراها و بناهای مربوط به آن کرد. پس از آن شاهزاده با گستاخی تمام به املاک اربابی در شهرها و نقاط مختلف فارس دست انداخت.

حکام محلی به دستور شعاع السلطنه، املاک زیادی را با عنوان «خالصه جات» از چنگ صاحبان آنان درآورده و با زور به نفع شاهزاده تصرف کردند. آنان هر نوع اعتراضی را با شدت سرکوب و خاموش کردند (مغیث السلطنه، ۱۳۶۲: ۷۱). به این ترتیب شعاع السلطنه در مدتی کوتاه، قسمت وسیعی از املاک مرغوب فارس را تصاحب کرد. اقدامات غاصبانه شعاع السلطنه در کنار رفتار بی رحمانه سردار اکرم، موجب بروز نارضایتی عمومی گردید و زمینه ساز نخستین جنبش مردمی بر علیه شعاع السلطنه گردید.

بازاریان شیراز به ویژه بازار وکیل، با تعطیل یکپارچه کسب و کار خود از اوایل محرم ۱۳۳۳ ق در حرم مطهر شاهچراغ، اجتماع و مبارزه با شاهزاده‌ی ستمگر را آغاز کردند. بنابراین شیراز همزمان با تهران، نخستین شهری بود که علیه ظلم و ستم حاکم قیام کرد (قائم مقامی، ۱۳۵۹: ۷۶).

این تحصن، آغاز علنی جنبش ضد استبدادی مردم شیراز در نهضت مشروطه بود. عالمان مذهبی که تجربه پیروزی در نهضت تنباکو را داشتند این بار نیز تلاش کردند از تحصن مردم در بقعه احمد بن موسی الکاظم شاهچراغ (ع) و شور مذهبی مردم استفاده کنند و مبارزه خود را با رژیم استبدادی پیش ببرند. با همین نیت از همان ابتدا عالمان برجسته ای مثل میرزا ابراهیم مجتهد و سید محمد امام جمعه به تحصن مردم پیوستند و هدایت مبارزات مردمی را به عهده گرفتند.

احمدپژوه که خود شاهد اجتماع شاهچراغ بوده در گزارشی می نویسد: «همه روزه مردم بازاری و داشی مثنی های قمه بند در صحن شاهچراغ گردآمده و روحانیون و منبریان در حرم امامزاده جلسه داشتند و روی منبر از بیداد و ستمگری حکمران [شعاع السلطنه] سخن می رانند و مردم هیاهو می کردند. چه بسا از آشوب تهران هم الهام می گرفتند (احمدپژوه، ۱۳۳۷: ۴۹۷).

ایستادگی و پافشاری مردم و علما و متحصنین در شاهچراغ حدود سه ماه ادامه یافت. ماه مبارک رمضان اوج حضور مردم در شاهچراغ بود. سرانجام مظفرالدین شاه تسلیم خواست مردم شد و از شعاع السلطنه خواست تا با عنوان معالجه از شیراز خارج شود تا پس از بازگشت آرامش دوباره او را به فارس بازگرداند. با خروج خفت بار شعاع السلطنه از شیراز، سردار اکرم که نایب الحکومه او بود با بیرحمی اقدام به سرکوب اعتراضات مردم کرد. مردم از شدت فشار و ظلم به شاهچراغ که محل بست و پناه مظلومین است متحصن گردیده سردار اکرم به بهانه ی برقراری نظم شهر، دستور شلیک داد. مأموران او، اجتماع مردم را به گلوله و سپس به توپ بستند. دهها نفر به قتل رسیده و عده زیادی مجروح شدند (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۹: ۳۳۰). ترس و وحشت عمومی حاکم در شیراز در اواخر شوال ۱۳۲۳ ق گویای اوضاع وخیم این شهر است.

ادامه سیاست سرکوب و خشنونت سردار اکرم به انسجام و اصرار مردم در مطالبه خواست خود و ادامه تجمع در حرم شاهچراغ منجر شد. دوباره شیراز به حالت تعطیل درآمد و اجتماع چند هزار نفری این بار بر علیه سردار اکرم-نایب الحکومه- در حرم شاهچراغ (ع) شکل گرفت (حبیل المثنی کلکته، ۲۰ شوال ۱۳۲۳: ۷).

سرانجام ماهها ایستادگی و مبارزه پی گیر مردم به رهبری علما علیه استبداد شعاع السلطنه و نائیش به نتیجه رسید و مظفرالدین شاه تسلیم خواست مردم شد. دولت غلامحسین غفاری (وزیر مخصوص) را با هدف کنترل اوضاع شیراز و بازگرداندن آرامش مأمور حکومت فارس کرد. به این ترتیب جنبش مردم فارس با نقش محوری

و مرکزی حرم مقدس احمدبن موسی(ع) به عنوان پایگاه اصلی مبارزه ضد استبدادی به ثمر نشست و با پایان حکمرانی شعاع السلطنه و عامل او سردار اکرم حرکت مردمی پیروز شد (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

بست نشینی در بقعه که از آغاز سال ۱۳۲۳ هجری شروع شده بود در ماه رمضان اوج گرفت و همان اتفاقاتی که در ایام رمضان و در نهضت تنباکو رخ داده بود تکرار می شد. علمای دینی در این ایام حداکثر سعی خود را برای گسترش اعتراض و تجمع به کار بردند. سرانجام اعتراضات مردمی و تحصن حرم به گوش مظفرالدین شاه رسید و وی مجبور شد برای پایان دادن به آشوب های شیراز، شاهزاده شعاع السلطنه را به تهران احضار کند. با این فرمان بست نشینی در حرم در اواخر رمضان سال ۱۳۲۳ هجری پایان پذیرفت.

شکل گیری اجتماع مشروطه خواهان شیراز در حرم حضرت شاه چراغ(ع) در دوران قاجار

با آغاز ماه رمضان (۱۳۲۵ ق) و اوج گیری احساسات مذهبی فضای شیراز آماده تقابل و درگیری میان دو جناح مخالف بود. اینک شیراز آماده و منتظر جرقه ای بود که خشم و نفرت خود را علیه قوای ها شعله ور کند. تصمیم آیت اله سیدعبدالحسین لاری، مبنی بر برگزاری نماز جمعه در شیراز، عاملی شتابناک برای شروع یک دوره درگیری خونین در شیراز بود. اعتصاب گسترده و طولانی بازاریان شیراز، درگیری خونین میان دو جبهه و بروز آشوب و اغتشاش به طور طبیعی موجب رکود شدید اقتصادی شد. در این شرایط نمایندگان مجلس به دلیل تشدید رویارویی با محمدعلی شاه توجه چندانی به حوادث فارس نداشتند. تنها نقطه امیدبخش ورود وزیر مخصوص (غلامحسین غفاری) به حکمرانی فارس موجب شد تا به طور موقت آشوب و اغتشاش در فارس کنترل شود (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ۱۸۰).

قوای ها در واکنش به اجتماع شاهچراغ ابتدا در تلگراف خانه و سپس در مسجد نو تجمع کرده و آماده مواجهه و رویارویی با مشروطه خواهان شدند. اینک شهر شیراز در حالت بحرانی به دو جبهه متخاصم تقسیم شده بود. تمامی گروه های ضد قوام الملک و مشروطه خواهان تحت رهبری آیت اله لاری و آیت اله شیخ محمداقرا استهباناتی در شاهچراغ متحصن شده و مسجد نو در برابر شاهچراغ مرکز سنگربندی تفنگچیان و عوامل قوام الملک شد.

محمد حسین استخر که در این زمان شاهد حوادث شیراز بود در خاطراتش به تشریح جزئیات اجتماع شاهچراغ می پردازد. وی اشاره دارد که تفنگچیان مستقر در شاهچراغ با ماموران قوام که در مسجد نو بودند شب و روز مشغول زد و خورد و تیراندازی بودند. تفنگچیان قوام که از نظر تعداد چند برابر متحصنین بودند در

یک مرحله با هجوم به شاهچراغ سنگر به سنگر پیش روی کردند. آنان اطراف صحن سید میر محمد و نقاره‌خانه شاهچراغ را تصرف و متحصنین را از چهار طرف محاصره کردند. متحصنین در حلقه‌ی محاصره قوامی‌ها که با کمبود شدید آذوقه و فشنگ روبرو شدند در ابتکاری جالب مقداری آذوقه و فشنگ را در تابوت گذاشته و از بیرون وارد شاهچراغ کردند. نیروهای قوام که پس از محاصره مشروطه خواهان با مقاومت آنان روبرو شدند. در توطئه‌ای خطرناک توسط عوامل نفوذی خود، آب سماور متحصنین را مسموم کردند که در نتیجه آن تعدادی مسموم و یک نفر در گذشت (استخر، ۱۳۸۸: ۶۰-۵۸).

با استعفاء و خروج نظام السلطنه از فارس، وزارت داخله تصمیم به اعزام علاءالدوله به حکمرانی فارس گرفت که با مخالفت شدید رهبران مشروطه شیراز روبه رو شد. آیت اله سید عبدالحسین لاری به نمایندگی از متحصنین شاهچراغ در تلگرافی خطاب به علمای تهران، مجلس و انجمن‌های تهران اعتراض خود را نسبت به انتخاب علاءالدوله به حکمرانی فارس اعلام کرد (مستشار الدوله، ۱۳۶۲: ۹۰-۱۸۹). موضع‌گیری و مخالفت قاطع متحصنین شاهچراغ، نتیجه داد و دولت از اعزام علاءالدوله به فارس صرف‌نظر کرد. در ادامه متحصنین شاهچراغ با ارسال نامه‌ها و تلگراف‌های متعدد به تهران خواسته‌های خود را اعلام کردند. در یکی از این تلگراف‌ها آیت اله لاری و استهباناتی به نیابت از متحصنین شاهچراغ خواسته‌های متحصنین را به وزارت داخله اعلام کردند.

آرزوی مردم فارس برای بازگشت نظم و امنیت با انتشار خبر عزیمت وزیر مخصوص در روزهای پایانی ذیحجه ۱۳۲۵ به دست آمد. اما رویدادهای بعدی نشان داد که این آرامش کوتاه و موقتی است. طوفان حوادث در راه است. قوام الملک سوم که در پی اجتماع تلگراف‌خانه شیراز به تهران تبعید شد تا پایان سال در تهران ماند. اینک به دلیل نزدیکی با محمدعلی شاه توانست با اختیارات ویژه در اواخر ذیحجه ۱۳۲۵ به شیراز بازگردد. او گام در راه سفری نهاد که عاقبت خوشی نداشت.

قوام الملک سوم در اوج ناباوری مشروطه خواهان و نارضایتی وزیر مخصوص در ۱۶ محرم ۱۳۲۶ به شیراز رسید و کمی بعد در ۴ صفر در حیاط عمارت شخصی خود به دست یکی از جوانان مشروطه خواه، نعمت اله بروجردی قاتل قوام الملک سوم به قتل رسید. ترور قوام الملک موجب برپایی آشوب دوباره در شیراز شد. در پی این حادثه قوامی‌ها عوامل و تفنگ‌چیان خود را از سراسر ایالت احضار کردند. به دستور پسران قوام، مأموران خشمگین ابتدا اقدام به محاصره حرم مطهر شاهچراغ، تلگرافخانه و مدرسه خان کردند و آماده گرفتن انتقام و سرکوب رهبران مخالف شدند. در برابر این وضع خطرناک مشروطه خواهان، اعضاء انجمن اسلامی به

سرعت به حرم مطهر شاهچراغ پناه بردند تا از هجوم تیغ و انتقام مأموران قوام در امان باشند (روزنامه صوراسرافیل، شماره ۲۶، ربیع الاول ۱۳۲۶: ۵).

مأموران قوام با حمله به منزل رهبران مشروطه درصدد انتقام از آنان بودند. تنها دو روز پس از قتل قوام الملک در مجلس یادبود قوام الملک در حسینیه قوام، آیت اله شیخ محمدباقر استهباناتی و سیداحمد دشتکی که از رهبران شاخص مشروطه بودند مورد حمله و تیراندازی عوامل قوام قرار گرفته و بی رحمانه به شهادت رسیدند. مأموران قوام الملک در جریان قتل دوچهره شاخص مشروطه شیراز بی رحمی و خشونت را به اوج رساندند (استخر، ۱۳۸۸: ۷۱).

با شهادت دوتن از رهبران مشروطه فارس، هرج و مرج و آشوب تمام شهر را فراگرفت. شیراز حالت پلیسی و امنیتی پیدا کرد و این حوادث در محافل سیاسی و مطبوعاتی بازتاب وسیعی داشت.

پس از چند روز پر آشوب با تلاش‌های پیگیر وزیر مخصوص و بیگریزی بازارها باز شد و آرامش نسبی به شیراز بازگشت. روزهای بعد جنازه شهدا از حرم شاهچراغ به سوی حافظیه تشییع و در آن جا دفن شد. به هر روی وزیر مخصوص توانست اوضاع بحرانی شیراز را کنترل و نظم و آرامش را به ایالت بازگرداند (نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت خارجه، ۱۳۶۷: ۱۸۲).

در بررسی تحلیلی از این مرحله از تحولات فارس در می‌یابیم که حرم مطهر شاهچراغ، به عنوان کانون و مرکز نقل اجتماعات و مبارزات مشروطه خواهان و ازسوی دیگر سنگر و پناهگاه آنان در برابر هجوم تفنگ‌چیان و عوامل استبداد بود.

تحصن برخی اعضای ژاندارمری در بقعه حضرت شاهچراغ (ع)

هدف از تأسیس ژاندارمری فارس، تأمین امنیت راه های جنوب بود. برای رسیدن به این هدف در سال ۱۳۲۹ هجری، قراردادی سه ساله با ایتالیا منعقد شد (قائم مقامی، ۱۳۵۵، ص ۱۰۳) این قرارداد به مرحله اجرا درنیامد، زیرا از یک طرف اعتبار لازم تأمین نشده بود و از طرفی نظام السلطنه حکمران فارس از همکاری با ایتالیایی‌ها خودداری می کرد (همان جا، ص ۱۰۴). دولت برای تأمین اعتبار متوسل به مجلس شد و لایحه ارائه شده دولت در دوم محرم ۱۳۲۹ هجری جهت استخدام افسران خارجی با اکثریت آراء به تصویب مجلس رسید. فشار روس و انگلیس باعث شد دولت جهت استخدام مستشار نظامی از یک کشور بی طرف-سوئد-کمک بگیرد (طیبه، ۱۳۸۴، ص ۷۵).

افسران سوئدی در ابتدا به نیت واقعی انگلیس‌ها پی نبردند؛ ولی بعد از کسب آگاهی حاضر نبودند آلت دست آنان شوند. انگلیسی‌ها پس از این جریان، حمایت‌های خود را از ژاندارمری قطع کردند و دولت ایران هم قادر به تأمین نیازهای مالی آنان نبود. افسران سوئدی تحت نفوذ سفارت آلمان قرار گرفتند (گرکه، ۱۳۷۷، ص ۱۱۳). البته با برکناری مخبرالدوله و منصوب شدن قوام به حکمرانی فارس شرایط ژاندارمری فارس بدتر شد، زیرا قوام ارتباط نزدیکی با انگلیسی‌ها داشت. این در حالی بود که به دلیل شرایط سیاسی بین‌المللی، افسران سوئدی طرفدار متحدین بودند (بیات، ۱۳۷۷، ص ۳۵۴). فعالیت‌های ضد انگلیسی در شیراز و فعالیت‌های مخفیانه جاسوسان آلمانی منجر به قیام ژاندارمری شد که تصرف کنسول انگلیس را در پی داشت (فراشبندی، ۱۳۵۹، ص ۱۵-۱۷). افسران ژاندارمری تلگراف خانه را نیز تصرف کردند تا مانع ارتباط قوام (طرفدار انگلیس) با تهران شوند. علاوه بر این آنان با کمک جاسوسان آلمانی تلاش کردند هر چه بیش‌تر حمایت‌های مردمی را کسب کنند. در همین راستا تلاش خود را در قلب مذهبی شهر یعنی شاهچراغ(ع) متمرکز کردند. محرم سال ۱۳۳۴ هجری در شیراز، عظمت خاصی داشت. افسران ژاندارمری با نظم خاصی در شاهچراغ(ع) عزاداری می کردند، آنان اسبی شبیه ذوالجناح درست کرده بودند و اطراف آن نوحه می خواندند (رئیس الاطباء، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۶). حمایت‌های مردمی و تمایلات ضد انگلیسی در شیراز، پیروزی ژاندارمری را در پی داشت. ولی آنان از این پیروزی استفاده‌ی درستی نکردند و دست به اقداماتی زدند که منجر به نفرت مردم شد. در حالی که ژاندارمری به تدریج حمایت‌های مردمی را از دست می داد، قوام الملک با حمایت انگلیسی‌ها به شیراز حمله کرد.

حزب برادران شیراز و بقعه حضرت شاهچراغ(ع) در دروان پهلوی

حزب برادران شیراز توسط آیت‌الله نورالدین حسینی هاشمی مشهور به نورالدین شیرازی تأسیس شد. این حرکت، اقدامی مذهبی-سیاسی بود که هدف اساسی آن ایجاد یک خط دفاعی دینی در برابر توده‌ای‌ها و ملیتون بود (جعفریان، ۱۳۸۳: ۱۱۴).

طرح اولیه‌ی حزب برادران در سال ۱۳۱۳ هـ.ش با تأسیس هیئت برادران نور ریخته شد و به صورت محرمانه کار توسعه‌ی آن دنبال شد. آیت‌الله شیرازی بعدها در سال ۱۳۲۵ هـ.ش گفت: «دوازده سال قبل که هیچ‌کس قدرت تشکیل مجمع و حزب نداشت، برادرانی را هم عهد ساختیم، تخمی زیر گل کردیم، مدتی هیچ اثر و ظهوری نداشت. رفقای از جان گذشته‌ی من نهایت با ضبط و با استقامت بودند و از نداشتن بروز و ظهور در این مدت متأثر بودند تا پس از مدت‌ها دو برگ برآورد. یعنی پس از هشت سال که در دوره‌ی پهلوی اول عزلت

جسته... همین که آقای فرخ استاندار فارس، مژده استعفای رضاشاه را رسانید... اولین دفعه جماعت کثیری در شاهچراغ و مسجد معرکه‌خانه حضور به هم رسانیدند» (همان: ۱۱۴).

حمایت‌های مردمی از آیت الله شیرازی در تجمع اعتراضی شاهچراغ(ع)، به امیدواری او در خصوص فعالیت‌های سیاسی بیش‌تر افزود و در راستای همین فعالیت‌ها بود که به تهران احضار گردید و مدت دو ماه در آن شهر نگاه داشته شد، زیرا به سیاست‌های رضاشاه نسبت به کشف حجاب اعتراض کرده بود (حسینی شیرازی، ۱۳۸۳: ۵۰-۵۵).

حزب برادران، پس از سال ۱۳۲۰ به‌طور جدی فعال و به سال ۱۳۲۴ فعالیت خود را آشکار کرد. آیت‌الله شیرازی با استفاده از تشکل‌های فرعی و هیئت‌های مذهبی که شمار آن‌ها بالغ بر سیزده هیئت به نام‌های هیئت فدائیان ابوالفضل (سیدمحمد رضازاده)، هیئت زهرا(ع) (حسین ولدان)، هیئت فدائیان محمدی (محمد ماکولائی)، هیئت فدائیان امیرالمؤمنین (کربلایی یحیی تحصیلدار)، هیئت فدائیان بنی‌هاشم (جمال خراز)، هیئت فدائیان احمدبن موسی (جعفر مس‌فروش)، هیئت جان‌نثاران ابوالفضل (پرهیزگار)، هیئت فدائیان پنج تن آل‌عبا (ابوالقاسم رن‌رز)، هیئت فدائیان شعبات فرهنگی (اصغر عرب)، هیئت فدائیان علی‌بن‌موسی (سیدجواد معلم)، هیئت فدائیان سجادیان (سیدعلی اکبر سادات)، هیئت فدائیان منتظران مهدی (حسین کفش‌دوز)، هیئت فدائیان حسن‌بن‌علی (سیدمحمدجعفر غربال‌باف)، می‌شد، توانست حزب برادران را گسترش دهد (جعفریان، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

آخرین فعالیت سیاسی و مذهبی حزب برادران در بقعه احمدبن موسی(ع) مربوط به سخنرانی تحریک آمیز آیت‌الله شیرازی علیه فعالیت بهایی‌هاست. در خردادماه ۱۳۳۴ هجری آیت‌الله شیرازی در یک سخنرانی مهیج به شدت نسبت به اقدامات بهایی‌ها و تبلیغات آنان اعتراض کرد. تأثیرات سخنان وی به قدری بود که مردم خشمگین برای تخریب حظیره القدس (معبد بهایی‌های شیراز) به راه افتادند و آن را با خاک یکسان کردند (حسینی شیرازی، ۱۳۸۸، ص ۹۰).

نقش بقعه حضرت شاهچراغ(ع) در پیروزی انقلاب اسلامی

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نقطه عطفی در پیروزی انقلاب اسلامی است. این قیام هنگامی رخ داد که مردم بسیاری از شهرهای ایران از جمله شیراز، نسبت به دستگیری امام خمینی(ره) اعتراض داشتند. دستگیری امام هنگامی توسط مأموران رژیم پهلوی رقم خورد که ایشان در یک سخنرانی اعتراضی و مهیج در مدرسه فیضیه، نظام شاهنشاهی را مورد حمله قرار داد و آشکارا اعلام کرد که «اسلام در خطر» است. عکس العمل رژیم در قبال این

سخنرانی، شدید بود. نیمه شب ۱۴ خرداد، مأموران امام را دستگیر و به تهران منتقل کردند. پس از رسیدن این خیر به شیراز همچون دیگر شهرها، اعتراضات گسترده ای صورت گرفت. کانون اعتراضات مردم شیراز در ۱۶ خرداد، حرم احمد بن موسی(ع) بود (تدین، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۶۴۲). در تجمع مردم، علمای مشهور شهر حضور داشتند و به ایراد سخنرانی پرداختند. هنوز ساعاتی از پایان مراسم نگذشته بود که مأموران رژیم آیت الله بهاءالدین محلاتی و فرزندش مجدالدین محلاتی را شبانه دستگیر کردند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش ب ۲۳۴، ص ۴۹) و به همراه آیت الله سید عبدالحسین دستغیب و جلال الدین آیت الله زاده (برادرزاده آیت الله محلاتی) با یک هواپیمای نظامی به تهران منتقل کردند (عرفان منش، ۱۳۷۵، ص ۱۷۱-۱۷۲). پس از انتشار خبر دستگیری علما، در فردای آن روز تعداد زیادی از مردم در شاهچراغ(ع) و مسجد نو تجمع کردند و در هنگام پراکنده شدن به سینماها و اماکن دولتی حمله ور شدند. در شیراز حکومت نظامی برقرار شد و پس از زخمی شدن سر کلاوتر شیراز و تعدادی از مردم، آرامش به شهر بازگشت (تدین، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۶۴۲).

علمای تبعیدی به تهران ۱۲ روز بدون هیچ محاکمه ای بازداشت بودند. پس از بازجویی های مقدماتی تعدادی به جز آیت الله محلاتی آزاد شدند. دلیل ادامه بازداشت آیت الله بهاءالدین محلاتی نقش مهم ایشان در اجتماع اعتراضی شاهچراغ(ع) بود. پس از چند ماه، وی نیز آزاد شد و مورد استقبال باشکوه مردم در شیراز قرار گرفت (عرفان منش، ۱۳۷۵: ۱۷۲).

هنوز مدتی از آزادی آیت الله محلاتی نگذشته بود که رژیم، امام خمینی را به دلیل موضع گیری شدید ایشان نسبت به کاپیتولاسیون تبعید کرد. آیت الله محلاتی در یک سخنرانی آتشین (نفس مطمئنه، ۱۳۷۸: ۷۷) به مردم دستور داد تا در اعتراض به این اقدام رژیم در تکیه های مذهبی از جمله بقعه احمد بن موسی(ع) به بست نشینند (روحانی، ۱۳۷۶: ۸۴-۸۵). گزارشی از انعکاس این واقعه و واکنش نیروهای رژیم در دست نیست و در سال هایی که امام خمینی در تبعید به سر می برد، سخنرانی های علما در بقعه، بیشتر حول مسائل مذهبی بوده است. مهرماه سال ۱۳۵۶ مبارزات سیاسی در حرم احمد بن موسی(ع) مجدداً رونق گرفت. در ابتدای پاییز همین سال آیت الله مصطفی خمینی به طرز مشکوکی درگذشت. به همین مناسبت مجلس ختمی در مسجد عتیق برگزار شد. پس از خاتمه مراسم، مردم به سمت شاهچراغ(ع) به راه افتادند و در صحن و مساجد اطراف آن تجمع اعتراضی برگزار کردند (دستغیب، ۱۳۷۸: ۳۷). اوج گیری مبارزات مردمی علیه رژیم پهلوی، سال ۱۳۵۷ است و کانون این مبارزات، اماکن مذهبی مثل مساجد و بقاع متبرکه بود. علمای مذهبی در این اماکن مردم را هر چه بیش تر برای رسیدن به خواسته های انقلابی ترغیب می کردند. در این میان حرم احمد بن موسی(ع) در شیراز موقعیت خاصی

داشت، زیرا سخنرانان در تمام روز با اجتماع بزرگی از مردم روبه رو بودند که به قصد زیارت به این مکان مذهبی می‌آمدند، بنابراین می‌توانستند پیام خود را در پوشش بیانات مذهبی به گوش مردم برسانند. آخرین تجمع بزرگ مردم شیراز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مربوط به صبح پیروزی انقلاب یعنی ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ است. در این روز اجتماع بزرگی از مردم در حرم شکل گرفت. سخنرانان با ایراد سخنرانی در این جمع از نیروهای نظامی خواستند به انقلابیون بپیوندند. در پایان مراسم مردم به سوی کلاتری های اطراف حرم راه افتادند و کلاتری‌ها به دست کمیته های مردمی افتاد (بهار ایران، ۱۳۵۷: ۴) و سرانجام مبارزات مردم در شیراز و سایر شهرها نتیجه داد و انقلاب اسلامی در همین روز به پیروزی رسید.

نتیجه گیری

مزار مطهر حضرت احمد بن موسی الکاظم (ع) مدت‌ها پنهان بود تا این که در عصر اتابکان کشف و در همان زمان توسط وزیر ابوبکر، بقعه ای بر آن ساخته شد. بقعه مطهر در طول حیات تاریخی خود مکانی برای تحسن و بست نشینی و پناه جستن به آن از ظلم و ستم حاکمان زمانه و ایجاد همبستگی و اتحاد در بین مردم مسلمان و انقلابی شیراز بوده است.

در دوران قاجار با شروع جنبش تنباکو شیراز از کانون‌های مهم در این حرکت مردمی بود. بست نشینی در حرم شاهچراغ، اولین صحنه‌ی بروز نقش سیاسی حرم در کالبد زندگی شهری بود. در این دوره تاریخی حرم به عنوان پناهگاه مظلومان شناخته می‌شده است. از این پس به دلیل پیوند تنگاتنگ بافت‌های مختلف شهری، به ویژه مراکز تجاری با حرم، نقش آفرینی حرم مطهر در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی به وضوح دیده می‌شود. شاهچراغ در نهضت تنباکو پایگاهی برای مبارزه ضد استعماری و در عصر مشروطه پناهگاه آزادی خواهان مقابل مستبدین بود. البته گاه در این میان نیروهای اجنبی قصد سوء استفاده از آن را داشتند، مثل اقدام نمادین افسران ژاندارمری که در بقعه در راستای جلب حمایت های مردمی انجام شد.

در اولین مرحله از انقلاب مشروطیت نیز، ایالت فارس از پیشگامان جنبش ضد استبدادی گردید و با شکل‌گیری بزرگ‌ترین اجتماع مشروطه خواهان در شاهچراغ و پس از یک دوره تقابل با نیروهای استبداد سرانجام به پیروزی رسید.

مرحله دوم جنبش مردم شیراز در مبارزه و تقابل با استبداد محلی خاندان قوام الملک شکل گرفت که قرن‌ها در این ایالت ریشه دوانده بودند. در این مرحله نیز حرم مطهر شاهچراغ (ع) کانون استقرار مشروطه

خواهان و صحنه درگیری و رویارویی مستقیم با جبهه مستبدین شد. در مبارزه با کانون استبداد محلی نیروهای لاری، قشقای و مشروطه خواهان شیراز در یک جبهه مشترک منسجم شدند که پدیده نوظهوری بود. اعتصاب بازاریان و تحصن طولانی جناح مشروطه خواه سرانجام به تقابل شدید نظامی میان دو طرف و عاقبت با قتل و ترور رهبران اصلی دو جناح پایان یافت.

نقش مقبره حضرت شاهچراغ(ع) در پیروزی انقلاب اسلامی نیز بسیار حائز اهمیت بود، چرا که از این مکان بود که سازماندهی نیروهای مذهبی صورت می گرفت و به دیگر نقاط شهر هدایت می شد.

فهرست منابع

- احمدپژوه، (۱۳۳۷) میرزا احمدخان مبشر همایون شیرازی، تاریخچه انقلاب مشروطه در فارس، تهران، معرفت.
- استخر، محمدحسین (۱۳۸۸)، خاطرات پیر روشن ضمیر، فارس از مشروطه تا پهلوی، به کوشش مسعود شفیعی سروستانی، شیراز، آوا اندیشه.
- امین الدوله، میرزا احمد خان (۱۳۴۱)، خاطرات سیاسی امین الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران، کتابهای ایران.
- بیات، کاوه (۱۳۷۷)، اسناد جنگ جهانی اول، قم، همسایه.
- تدین، پروین دخت (۱۳۸۴)، والیان و استانداران فارس بین دو انقلاب مشروطیت و اسلامی، شیراز، امید ایرانیان و بنیاد فارس شناسی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۳)، جریان ها و سازمان های مذهبی سیاسی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جنید شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۲۸)، شد الازار فی حظ الاوزار عن زوار المزار، تهران، چاپخانه مجلس.
- حسینی شیرازی، سید منیر الدین (۱۳۸۳)، خاطرات سید منیر الدین حسینی شیرازی، تهران، مرکز انتشارات اسلامی.
- حسینیان، روح الله (۱۳۸۱) بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران ۱۳۲۰ - ۱۳۴۰، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- دستغیب، سید علی اصغر (۱۳۷۸)، خاطرات حجت الاسلام سید علی اصغر دستغیب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روحانی زیارتی، حمید. (۱۳۷۶). نهضت امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- رئیس الاطبا، میرزا علاءالدین حسین (۱۳۸۹). دره الانوار حسنی، مصحح: علی اکبر صفی پور و پرتو پروین، شیراز، بنیاد فارس شناسی.
- زاهدی، سید یاسین (۱۳۸۸). «احمد بن موسی (ع)»، مجله سخن، شماره ۵.
- سعیدی سیرجانی. (۱۳۶۱). علی اکبر؛ وقایع اتفاقیه، تهران، نشر نو.
- سلطان الواعظین، محمد (۱۳۷۹). شب‌های پیشاور، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سی و نهم.
- شفیعی سروستانی، مسعود (۱۳۸۳)، فارس در انقلاب مشروطیت، شیراز، بنیاد فارس شناسی، .
- عرفان منش، جلیل (۱۳۷۷). زندگانی و قیام احمد بن موسی، شیراز، دانشنامه فارس و بنیاد فارس شناسی، چاپ اول.
- عرفان منش، جلیل. (۱۳۷۵). خاطرات ۱۵ خرداد شیراز، تهران، دفتر حوزه هنری.
- فرشبندی، علی مراد (۱۳۵۹). تاریخچه حزب دموکرات فارس، تهران، اسلامی.
- فرصت شیرازی، محمد نصیر. (۱۳۷۷). آثار العجم، مصحح: منصور رستگار شیرازی، تهران، امیر کبیر.
- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۵). تاریخ ژاندارمری ایران، تهران، اداره روابط عمومی ژاندارمری.
- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۹). نهضت آزادی خواهی مردم فارس در انقلاب مشروطیت ایران، بی جا، مرکز تحقیقات تاریخی.
- کربلایی، حسن (۱۳۶۱)، قرارداد رژی ۱۸۹۰ م یا تاریخ انحصار دخانیه، تهران، انتشارات مبارزان، .
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۷۹)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، .
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۶۱). تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- گرکه، اولر یخ (۱۳۷۷). پیش به سوی شرق، مترجم: پرویز صدری، تهران، سپامک.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- مغیث السلطنه، یوسف (۱۳۶۲)، نامه‌های یوسف مغیث السلطنه، به کوشش معصومه مافی، تهران، نشر تاریخ ایران، ملک آرا، عباس میرزا (۱۳۵۵)، شرح حال عباس میرزا ملک آرا، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، بابک، چاپ دوم.